



یادبود سالگرد درگذشت اسلامی ندوشن

مراسم یادبود دومین سالگرد درگذشت محمدعلی اسلامی ندوشن روز چهارشنبه، پنجم اردیبهشت‌ماه برگزار می‌شود. این آیین از ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه، در سالن حافظ‌خانه اندیشمندان علوم انسانی برپا می‌شود. هادی خانیکی، محمد دهقانی و محمدجواد حق‌شناس در این مراسم سخنرانی خواهند کرد. همچنین پیام شیرین‌بیانی، استاد دانشگاه و همسر اسلامی ندوشن، پخش خواهد شد. محمدعلی اسلامی ندوشن، متولد ۱۳۰۴ در ندوشن یزد بود که چند سال پیش برای دیدار با فرزندانش به کانادا رفت و بعد به خاطر عوارض کپولتسن و کرونا، آن‌جا ماندگار شد. او پنجم اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۱ چشم از دنیا فروبست و خانواده پیکرش را همان‌جا به امانت به خاک سپردند تا در فرصت مناسب، طبق وصیت خودش به ایران برگردد و در نیشابور در جوار آرامگاه عطار و خیام آرام گیرد؛ هر چند زادگاهش یزد بود و از ندوشن برخاسته بود. پیکر اسلامی ندوشن ۲۸ آبان‌ماه ۱۴۰۲ به ایران بازگشت و بعد از تشییع در دانشگاه تهران، یزد و نیشابور در خانه ابدی اش آرام گرفت.



تیک‌تاک ممنوعیت خود را به چالش می‌کشد

مجلس نمایندگان آمریکا به تازگی پیشنهاد ممنوع‌سازی تیک‌تاک را در قالب لایحه‌ای جدید به سنا فرستاد. حالا این شرکت اعلام کرده است که مسدود شدن اپلیکیشن آن‌ها در ایالات‌متحده، آزادی بیان ۱۷۰ میلیون آمریکایی را پایمال می‌کند. قانون‌گذاران می‌خواهند تیک‌تاک از مالک چینی خود جدا شود، در غیر این صورت مسدود خواهد شد. دیجیتالو ضمن اعلام این خبر نوشت، این پلتفرم یک‌بار دیگر تأکید کرده است که شرکت والد خود، یعنی بایت‌دنس، تحت کنترل دولت چین یا هیچ کشور دیگری نیست. افزون بر این، بایت‌دنس نیز می‌گوید که یک شرکت چینی نیست و سرمایه‌گذارانی از سراسر دنیا ۶۰ درصد از سهام آن را در اختیار دارند. منابع آگاه بلومبرگ می‌گویند، بایت‌دنس در نظر دارد که این ممنوعیت را در دادگاه به چالش بکشد و به هر طریقی که می‌تواند با فروش تیک‌تاک مخالفت کند. مایکل بکرمن، مدیر سیاست‌های عمومی تیک‌تاک در آمریکا نیز این مسئله را تأیید کرده است.



درگذشت فیلمساز نامزد اسکار

لوردیس پورتیلو، فیلمساز نامزد اسکار، هنرمند تجسمی، روزنامه‌نگار تحقیقی و فعال اجتماعی در خانه‌اش در سانفرانسیسکو در ۸۰ سالگی درگذشت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، این سینماگر مکزیکی کار خود را روی نویسندگی، کارگردانی و تولید فیلم و ویدئوهای متمرکز کرده بود که احساسات و شرایط تجارب آمریکایی لاتین، مکزیکی را به تصویر می‌کشید و مستندهای او نیز بر موضوعات هویت و عدالت اجتماعی در ایالات‌متحده و آمریکای لاتین تأکید داشت. سوزه آکادمی تصاویر پورتیلو در زندگی حرفه‌ او را برجسته می‌کند. این فیلم روی پروژه‌های کلیدی او از جمله «لاس مادرس: مادران پلازادامایو»، «پیش‌نهاد: روزهای مردگان»، «شیطان هرگز نمی‌خواهد» و «زن جوان گمشده» متمرکز دارد. مستند «لاس مادرس: مادران پلازادامایو»، روی مادران گمشده آرژانتینی متمرکز داشت. این فیلم که با همکاری سوزانا بلاستین‌مونوز ساخته شد، در سال ۱۹۸۶ نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین مستند بلند شد.

محفل گرم بیژن



ناصر مسعودی خواننده و آهنگساز

آشنایی من با بیژن ترقی برمی‌گردد به دهه ۴۰ و دوران فعالیت‌مان در رادیو. البته من در آن زمان بیشتر قطعات محلی می‌خواندم و ترانه‌سرای آثار فارسی‌ام نیز عزیزان دیگری بودند چون سیمین بهبهانی، تورج نگهبان و هنرمندان دیگر. این بود که با یکدیگر همکاری موسیقایی نداشتیم. اما به خاطر علاقه من به شعر و علاقه او به موسیقی، همواره معاشرت و دوستی بین ما جاری بود. بیژن ترقی به غیر از کار ترانه‌سرایی و شعر، کتاب‌فروشی و انتشاراتی «خیام» را که در واقع از پدرش برایش به ارث مانده بود اداره می‌کرد و تا پایان عمرش هم به کمک برادرش آن‌جا را حفظ کرد. کتاب‌فروشی کوچکی بود در



یادبود ترانه‌سرا

خیابان شاه‌آباد، اما پاتوق بسیاری از شاعران و اهالی موسیقی شده بود. دیدارهای منظم و رفاقت بیشتر ما در سال‌های پس از انقلاب و دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شکل گرفت که تقریباً هر دو هفته یا دست‌کم ماهی یک‌بار به منزل بیژن ترقی می‌رفتم. در آن زمان شاعر فقید «نودر پرنگ» نیز در این محفل حضور می‌یافت، همچنین سایر اهالی موسیقی و ادبیات (از جمله آقای امین‌الله رشیدی و علی موسوی گرمارودی) هر از گاهی برای دیدار با او و نودر پرنگ به آن محفل می‌آمدند. آن‌جا درباره شعر و موسیقی گپ می‌زدیم یا گاهی به آثار موسیقی سنتی گوش می‌دادیم و در موردشان بحث می‌کردیم و یا خاطرات گذشته مرور می‌شد. بیژن مرد بسیار مهربان و ادیب و شوخ‌طبعی بود و علاقه عجیبی هم به نودر پرنگ داشت و خاصه در

ز ذره‌ذره وجودش ترانه بر خیزد

درباره بیژن ترقی در پانزدهمین سال خاموشی‌اش

(سالار عقیلی) و... را شنیدم و به ترانه‌سرای توانمند آن‌ها، بیژن ترقی و هنر شاعری او نیندیشید. هنرمندی که از او با عنوانی چون شاعری در تکاپوی ترقی ترانه و نقاشی واژه‌ها یاد می‌شود و افزودن گفتمان‌ها و فرم‌هایی نو به ترانه فارسی، ترسیم خط داستانی و تصویرپردازی‌های طبیعی را از جمله ویژگی‌های آثارش برمی‌شمارند. ضمن اینکه نمی‌توان از بیژن ترقی گفت و یادای از بار همیشگی او، پرویز یاحقی نکرد. بیژن ترقی نزدیک‌ترین همکاری‌ها را با پرویز یاحقی داشت و آن‌طور که گفته می‌شود، یک‌سوم از مجموعه سیصد ترانه‌ای که سرود با آهنگ‌های یاحقی پیوند خورد. بیژن ترقی که در مورد خود می‌گفت: «گر بسوزی و خاکسترم به باد دهی / ز ذره‌ذره وجودم ترانه



نرگس کیانی خبرنگار گروه فرهنگ

بی‌شک نمی‌توان قطعات بسیار شنیده‌شده و تحسین‌شده‌ای چون «آتش کاروان» (دلکش)، «بیداد زمان»، «می‌زده» و «افسانه محبت» (مرضیه)، «گل اومد بهار اومد میرم به صحرا» (پوران)، «تا بهار دلنشین» (غلامحسین بنان)، «شهزاده رویا» (عهدیه و بعدتر یاسمین)، «جام مدهوشی» (علی اصغر شاه‌زیدی)، «ایران جوان»

و موی او را وصف کردن و پناه بردن به توصیف طبیعت به سیاق شاعران رمانتیک، با روح زمانه و جامعه‌ای که با شتاب به سمت مدرن شدن پیش می‌رفت، سازگاری ندارد. به همین دلیل او پیش از چالش با زبان، در فرم ترانه دست به تجربه‌هایی نوآورانه زد؛ از جمله افزودن نوعی شاکله روایی به ترانه، در آثاری چون «بیداد زمان» که با استفاده از صنعت «جان‌بخشی» می‌کوشد روایت برگ‌پژمرده پاییزی را با زاوی شعر «این همان» سازد و این رویکرد تمثیلی، بعدها در ترانه‌های پاپ به یکی از اصلی‌ترین فرم‌های سرایش بدل شد (به یاد بیاورید ترانه‌های «مرداب»، «کویبر»، «قصه دو ماهی»، «سایه» و بسیاری دیگر را). کار دیگر ترقی، تجربه اجرای نوعی «مود» یا حالت در متن ترانه بود. یعنی نوعی اجرای دراماتیک از حالات و کیفیات روحی که در متن ترانه بازتاب یابد. مثلاً حالت شور و سرمستی در ترانه‌های «می‌زده شب چو ز میکده باز آیم»، یا ترانه «سروش آسمانی» (شد زمین مست، آسمان مست)؛ یا حالت دل‌شکستی و هجران در «مانده نمانده» (به کنارمانده نمانده / گرد ملال از رخ نقشانده / ای امید دل چرا رفتی؟). در کنار این‌ها ترقی در چند ترانه کوشید فرم‌ها و ساختارهای زبانی آشنا را شالوده متن ترانه‌اش قرار دهد؛ مثلاً استفاده از ساختار مناجات در ترانه «صبرم عطا کن»، از زمانی که او توانست در عرصه شکسته‌نویسی به خلق ترانه بپردازد، دو خصلت مهم دیگر نیز به ترانه‌اش افزوده شد. نخست این که، کوشید آن راوی یا «من» بی‌چهره و فاقد شخصیت خاص

داشت و هیچ‌وقت به زور ترانه نمی‌گفت. او پدیده‌های اطرافش را با دقت و ظرافت خاصی می‌دید، به سادگی از آنها نمی‌گذشت و روی سوزه‌هایی که انتخاب می‌کرد تصویرگرایی خارق‌العاده و تأکید زیادی داشت. مثلاً ترانه «به رهی دیدم برگ خزان» را زمانی نوشته که از خیابان ولیعصر رد می‌شده و وقتی برگ‌های پاییزی را می‌بیند که از درخت جدا می‌شوند، از آنها الهام می‌گیرد. «

می‌توان به جرأت بیان کرد که حضور ترقی در موسیقی ایرانی، افق‌های جدیدی از هنر ترانه‌سرایی در موسیقی را به روی علاقه‌مندان گشود، سرایش ترانه‌های وزین متناسب با نیاز و شرایط روز که عمدتاً از بن‌مایه‌ای عاشقانه برخوردار بودند، باعث شد تا ترانه در موسیقی ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. او که از زمان ورودش به عرصه ترانه‌سرایی بیش از ۳۰۰ ترانه را مزین به صدای خوانندگانی چون بنان، حمیرا، مرضیه، الهه، افتخاری و شاه‌زیدی کرد، با آهنگسازی بزرگانی همچون خالقی، یاحقی و تجویدی، نغماتی را به یادگار گذاشت که با وجود گذشت سال‌ها از تولد این آثار، از خاطره‌انگیزترین مجموعه‌های موسیقی ایرانی‌اند. با این حال روند رو به رشد ترانه‌سرایی در ایران از دهه ۶۰ به بعد، رو به افول گرایید و رفته‌رفته، هم‌زمان با تجاری شدن هنر، هم‌سوی با موسیقی به سمت ابتدال کشیده شد. گزند تجاری‌سازی هنر گرچه در تمام ابعاد قابل لمس و مشهود است، اما می‌توان با اطمینان این مهم را بیان کرد که به دلیل آسیب‌پذیر بودن، بیشترین خسران

با آثار خود، نامش را در خاطره جمعی بسیاری از ایرانیان ثبت کرد. ترقی که شور و اشتیاقش به شعر و ادب پارسی را از پدرش - محمدعلی ترقی که ناشر و ادیب بزرگی بود - به ارث برده بود، علاقه بسیاری به سبک هندی در شعر داشت و از همین رو در اشعار و ترانه‌هایش نیز ردپای این شعر و ویژگی‌های آن را برجای گذاشت. تصویرسازی، روایت داستان‌گونه از شعر و سادگی در فهم شعر و ترانه از ویژگی‌های بارز شعر ترقی بود. به اعتقاد محمود خوشنما - پژوهشگر موسیقی - مهم‌ترین نقش بیژن ترقی، تقویت جنبه‌های روایی و داستان‌گونه کردن ترانه‌ها، همچنین افزودن جنبه‌های تصویری به آن‌هاست. بسیاری از کارشناسان ادبی معتقدند، تخیل و قدرت تصویرپردازی در درجه نخست از آن ترقی بوده و ایماژهای متدبک او به منظور التذاذ هنری، از لحاظ زیباشناسانه، مستودنی هستند. فرهنگ شریف در ستایش شیوه ترانه‌سرایی ترقی، این‌گونه معتقد بود: «به نظر من، بهترین شاعر آن زمان بیژن ترقی بود چون شعرهای او همه سوزه داشتند. بیژن، ذوق سرشاری در ترانه‌سرایی

در تکاپوی ترقی ترانه

و بخت‌شان برای هم‌نشینی با آثار ماندگار تصنیف ایرانی می‌توان ترازشان را سنجد. بیژن ترقی اما در این میان یکی از چند چهره استثنایی است. هر چند ترقی هم هرگز چندان پیشنهادهای شعر نو را نپذیرفت، یا به‌شکل شگرفی در دایره مضمون و گفتمان‌های حاکم بر ترانه دچار تحول نشد، اما در همان دایره معاییر و علائق خود، کوشید تا گفتمان‌ها و فرم‌هایی نو به ترانه فارسی بیفزاید. به این ترتیب بود که به‌قولی نخستین ترانه‌ها - که با زبان نادرست باشد، قطعاً یکی از نخستین ترانه‌ها - که با زبان شکسته و معیار نوشته و از رادیو پخش شد، محصول قلم اوست؛ ترانه جاودان «گل اومد، بهار اومد». آن هم در زمانی که نفس شکسته‌نویسی، تابوشکنی بزرگی بود. شکسته‌نویسی و نزدیک شدن به زبان معیار، پروژه مورد علاقه بیژن ترقی در سرایش ترانه است. ترقی پیش از آن هم البته به نیکی دریافته بود که تغزل یا توصیف صرف - که بن‌مایه اکثر ترانه‌های آن روزگار بود - به‌نوعی ظرفیتش اشباع شده و مضمون‌سازی‌های تکراری و از هجر و ستم معشوق نالیدن، رو



علی مسعودی‌نیا نویسنده

«بیژن ترقی»، به‌عنوان یک ادیب و شاعر نئوکلاسیک (یا نوآدمایی)، چهره ویژه‌ای در دنیای تصنیف و ترانه به‌شمار می‌رود. تأکید روی خاستگاه نئوکلاسیک او را از این جهت طرح می‌کنم که در عرصه ترانه‌سرایی، برخلاف بسیاری از هم‌مکتب‌ها و هم‌دوره‌هایش، در کارنامه‌اش نوعی بی‌قراری خلاق دیده می‌شود برای یافتن افق‌هایی نو در ترانه ایرانی. چراکه به گواه تاریخ ادبیات معاصر، گروهی از شاعران که تعصب داشتند به شعر کلاسیک و قالب‌های کهن، در کار ترانه‌سرایی‌شان هم اغلب حاضر نبودند از مبانی و زیبایی‌شناسی حاکم بر شعر کلاسیک فروری کنند. به همین دلیل تفاوت اکثر این ترانه‌سرایان اندک و نامحسوس است و تنها از منظر مهارت بلاغی



محمدجواد صفاری پژوهشگر و منتقد

موسیقی آوازی ایران از قدیم‌الایام قربایت بسیاری با اشعار کلاسیک داشته و هنرمندان موسیقی با بهره‌گیری از اشعار شعری نامدار پارسی‌زبان، چراغ موسیقی آوازی ایران را روشن نگاه داشته‌اند، اما ظهور شعر نو در ادبیات ایران و رونق آن در دهه ۵۰، باعث شد تا اهالی هنر در آثار خود از این اشعار نیز بهره برده و آثار ماندگار بسیاری نیز خلق شوند. اقبال شعر نو در میان مردم و هنرمندان، باعث شد تا استفاده از تصانیف و ترانه‌ها در موسیقی کلاسیک - که سابقاً توسط بزرگانی چون امیرجاهد سروده و ساخته شده بود - رواج یافته و نام ترانه‌سرایان بسیاری با موسیقی گره خورده شود. «بیژن ترقی»، یکی از این‌ها بود. هنرمند و ادیبی که